

الحمد لله الذي يمرض الموتى

«عَلَيْهِ السَّلَامُ»

کینه توزی یک بیماری خطرناک بوده و همچون وبا کشنده است.

الحمد: کینه
داء: بیماری
موتی: وبا

گذشت و بخشودگی

او حیوانیت است موجود زنده وقتی بحريم او تجاوزی بعمل آید بناچار دفاع میکند و اگر تاب و توان مبارزه را فاقد باشد در ذهن خود برای پیروزی و انتقام جوئی نقشه خواهد کشید دانشمندان اخلاق این رفتار را بنام کینه‌توزی نام نهاده‌اند ، باین بیان بخوبی آشکار میگردد که مومن و کافر هر دو دارای این خصوصیت باید باشند منتهی مومن از نظر اینکه ایمان بخدا دارد و روحیات حیوانی خود را کنترل کرده است از توسعه و پرورش این روحیه جلوگیری خواهد کرد و اما دیگران که با اصول انسانی سروکاری ندارند طبق روحیات حیوانی تا سرحد امکان

گاه بین انسان‌ها درگیری بوجود آمده بحقوق و حیثیت فردی تجاوز و تعدی بعمل میآید فرد ستم‌دیده در دل نقشه‌ها کشیده در انتظار فرصت است تا انتقام خود را باز گیرد این خط و نشان کشی را کینه‌توزی گویند در زبان عربی حقد نام دارد هرگاه آسمان پر از ابرهای تیره و تار شده آماده باریسدن باشد ولی از بارش خبری نباشد عرب زبانان گویند اِحْتَقَدَ الْمَطَرُ یعنی آسمان کینه‌توز از باریدن خودداری کرده در انتظار فرصت است تا یکباره ببارد ، با بررسی کامل بدست میآید که این امر یک خصوصیت طبیعی برای انسان است ، انسانی که نیمی از هویت

آنها تقویت خواهند کرد و مانند یک حیوان درنده در انتظار خواهند نشست تا حریف خود را یکباره نابود سازند .

از امام جعفر صادق علیه السلام چنین نقل شده است که فرمودید : **جَفَدَ الْمُؤْمِنُ مَقَامَهُ ثُمَّ يَفَارِقُ إِخَاهَ فَلَا يَجِدُ عَلَيْهِ شَيْئًا وَجَفَدَ الْكَافِرُ دَهْرَهُ** : یعنی کینه‌توزی شخص مومن عمرش کوتاه است همان هنگام که از برادرش جدا میشود دیگر دردل نسبت به برادرش کینه‌ای احساس نمیکند و اما شخص کافر کینه‌توزی‌اش تا پایان عمرش ادامه دارد .

زبان‌های کینه‌توزی :

یکی از زبانهای کینه —

توزی اینکه بسیاری از دشمنی‌ها و جنگ وجدالهای خارجی افراد نوعا نابهنگام آغاز نمیگردد بلکه قبلا بصورت کینه‌توزی آغاز شده بمرور زمان اشتداد یافته ناگهان بصورت انفجار درآمده نزاع وجدال خارجی را بوجود می‌آورد پس کینه‌توزی و خط و نشان کشیدن‌ها در حقیقت عوامل سازنده نزاعهای خارجی هستند و بسیار نادر است که کسی نسبت بفردی دردل کینه‌ها نهفته باشد و روزی آنها بجنگ وجدال تبدیل نسازد .

— کینه‌توزی علاوه بر آنکه پس از مدتی بصورت دشمنی و عداوت علنی آشکار میگردد اصولا مستلزم ارتکاب خلاف‌های دیگری نیز میباشد شخص کینه‌توز نمیتواند خود را از غیبت و نهمت و شمانت و استهزاء و سخریه باز دارد بنابراین کینه‌توزی باینکه یک عمل

خلاف خارجی نیست ولی گناهان بزرگی را در استخدام شخص کینه‌توز درمی‌آورد و خرمن ایمان او را بآتش خواهد کشید .

— بزرگترین زیان کینه‌توزی اینکه همه وجود انسان بجهنمی سوزان تبدیل شده جز انزجار و نفرت چیزی دیگری در ذهن آدمی باقی نخواهد ماند بدیهی است که شخص کینه‌توز آتشی را می‌افروزد که قبل از همه خودش در آن میسوزد و این نکته کاملا صحیح است که میگویند ضرر وزیانی که نفرین کننده میبیند بیشتر از زیانی است که عاید دیگران میگردد چه نفرین کننده زودتر از دیگران در ذهن خود زشتی‌ها و بدبختی‌ها را ترسیم مینماید .

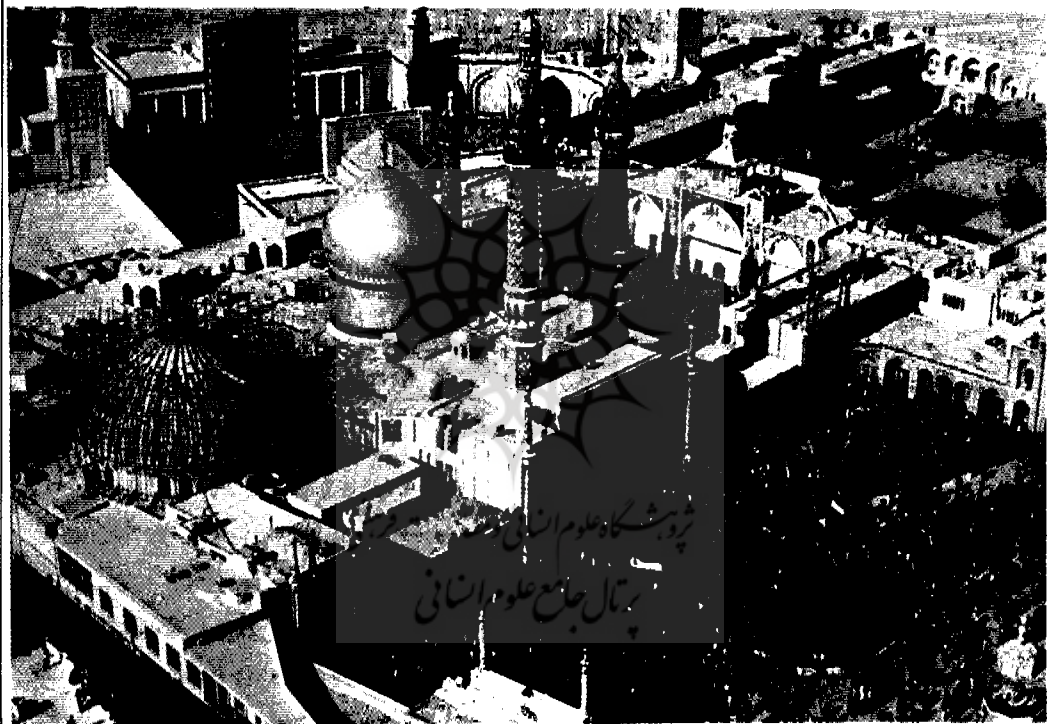
اسلام چون دین برادری و وحدت است همه عواملی که مسلمانان را بوحدت و یکپارچگی سوق میدهد طبق قوانین اسلامی بآنها دستور داده شده است و همه اموری که بوحدت آنان لطمه میزند شدیداً جلوگیری بعمل آورده است بعنوان مثال کینه‌توزی که خود عامل جدائی‌زائی است اسلام بوسیله طرح‌های بسیار ارزنده‌ای از بروز آن جلوگیری بعمل آورده است .

۱- اسلام دردرجه اول میکوشد روحیه گذشت و عفو در میان مسلمانان توسعه و گسترش یابد تا درصورت برخورد و درگیریها با برخورداری از روحیه گذشت رفع کدورت — های جزئی شده از تحقق کینه‌ها و عقده‌ها جلوگیری بعمل آورد .

۲- اسلام باین مقدار از عفو و گذشت اکتفا

نکرده برای اینکه بذرهای عداوت و دشمنی را از دل‌های همه ریشه‌کن سازد افراد باایمان را بجهدادی دشوارتر از این دعوت کرده و آن اینکه علاوه برآنکه لغزش‌ها و خطاهای دیگران را بدل نگیرند بلکه مشتاقانه بیدار آنان شایسته با رفتار انسانی خود درس انسانیت

خداوند در سوره نور آیه ۲۲ میفرماید :
وَالْبِعُوفُ وَالْيَصْفَحُوا أَلَّا تُحِبُّوا أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ
افراد با ایمان باید از یکدیگر در گذشته همدیگر را ببخشند آیا شما مومنین دوست ندارید که خداوند شما را بیامرزد .
امام جعفر صادق علیه‌السلام از رسول خدا



بآنان بدهند .
قال رسول الله (ص) الا اذلکم علی خیر
أخلاق الدنیا والآخرة تصل من قطعک وتُعطي
من حرمتک وتَعفو من ظلمک رسول خدا (ص)

نقل میکند که فرمودند : عَلَيْنِمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ
الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا تَعَاَفَا يَغْفِرَ اللَّهُ
از خطاهای یکدیگر در گذشته همدیگر را ببخشید چه عفو و گذشت شکوه و عزت آورد پس درگذرید تا خداوند شما عزت بخشد .

و بدیهی است که عمل عقیدتی بناچار توأم با تقوا خواهد بود و همراه با فضائل .

از نظر اسلام فلاح در سایه تزکیه است که خود ناشی از عمل پرهیزکارانه است و در آنگاه که تنها نام تزکیه باشد و عمل نباشد اسلام را بر آن صحه ای نخواهد بود ، برای ارائه نمونه های این تزکیه مساله الگو مطرح است و کلماتی چون شهید ، شاهد ، اسوه ناظر به این سخن است .

در اجرا و ضمانت اجرائی :

اینکه ضمانت اجرائی این نظام چیست میتوان از یشتوانه های زیر نام برد :

مکتب و مذهب ، رهبری جامعه ، ضوابط حکومتی ، اراده مردم ، تقدس قانون ، شهامت و فداکاری توده ، فرهنگ و تربیت امکانات مادی و معنوی ، رشد فکری ، عواطف انسانی ، ایمان بخدا و کیفیر او در دنیا و آخرت ، نظارت اجتماعی ، زمینه فطری ، حکومت قانون ، ...

در زندگی اسلامی از همه امکانات جامعه برای آموزش و پرورش توده استفاده میشود از مدرسه ، مسجد ، منبر ، رادیو ، تلویزیون ، نوار ، فیلم ، روزنامه و ... زندگی براساس مکتب و محیط زندگی مدرسه است برنامه ها باید براساس ضوابط قانونی باشد که الهی است و این خود عاملی برای حفظ تعالیم و اجراست .

فرمودند : آگاه باشید شما را به پرفضیلت ترین روحیه ها دعوت میکنم : آنکه از تو بریده با او پیوندگیر و آنکه ترا محروم داشته عطاکن و از کسی که بتو ستم روا داشته است درگذشته عفو کن .

رسول خدا (ص) بوسیله این بیان میخواهد بفرماید که هیچگاه پلیدی ها را نمیتوان با پلیدی از بین برد همانطور که نجاسات ظاهری بوسیله عوامل پاک و ظاهر زدوده میگردد نجاسات و پلیدیهای روحی نیز باید با رفتارهای انسانی و سازنده برطرف گردد و محتوای این حدیث شریف مطابق آیه قرآن است که خداوند در سوره مومنون آیه ۹۶ میفرماید : **ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ اِحْسَنُ السَّيِّئَةِ** : یعنی بدی و گناه را با بهترین رفتارها پاسخ ده یعنی مسلمانان برای آنکه زشتی ها و پلیدی ها را ریشه کن سازند باید با رفتار نیکو و انسانی خود بجنگ زشتی ها بروند تا همه رفتارهای زشت از مجتمع مسلمانان برطرف گردد .

در خاتمه فراموش نکنیم که علی علیه السلام فرمودند کینه نوزی هم چون بیماری و با خطرناک بوده در کمترین فرصت ها انسانها را بهلاکت خواهد رساند شاید نتوان به بیماری دست یافته که همچون وبا تاب و توان از بیمار گرفته و هلاکت او را فراهم آورد .